

## عوامل و زمینه‌های گسترش مذهب شافعی در اندونزی

فاطمه شکیب‌برخ\*

### چکیده

اکثر مسلمانان پرجمعیت‌ترین کشور مسلمان‌نشین، اندونزی، پیرو مذهب شافعی هستند. مقاله حاضر که به روش تاریخی و شیوه توصیفی گردآوری شد، در پی واکاوی عوامل و بسترهای تاریخی گسترش مذهب شافعی در اندونزی بوده، تا علل دخیل در فراگیری مذهب نامبرده را بازنمایی و نقش وزین عامل شاخص را شناسایی کند. نتایج این بررسی نشان می‌دهد در مرحله نخست، گسترش جهانی فقه شافعی در زمان مواجهه اندونزیایی‌ها با اسلام، با نقش سازنده بازرگانان و مبلغان مسلمان، خاصه مبلغان ایرانی، در انتقال اندیشه‌های صوفی‌منش و شافعی‌نگر اثربخش گردید. در مرحله دوم، تداول ارتباط حجاج اندونزیایی با شهر مکه و نگرش تقدس‌گرایانه و ماورایی مردم اندونزی به این سفر، که با اخذ بایسته‌های فرهنگی، معنوی، علمی حج همراه بود، عامل شاخص دریافت گرایش‌های صوفیانه و رواج فقه شافعی در اندونزی گشت. افزون بر مسائل مطرح، که مرهون پیش‌زمینه فرهنگی و دینی پیشین مردم مجمع‌الجزایر، یعنی گرایش‌های بودایی و هندوئیسم، بود

\* . دانشجوی دکتری، دانشگاه ادیان و مذاهب، دانشکده تاریخ، قم، ایران

shakibrokh62@gmail.com

## مقدمه

تلاش دانشوران و روحانیون در تاسیس مدارس و احزاب به منظور گسترش آموزه‌های تصوف به سرانجام رسید و از برآیند پیوستگی و تشابه ذاتی تصوف و مذهب شافعی، ماندگاری این مذهب در طی قرون متمادی در اندونزی حاصل شد.

کلید واژه‌ها: اندونزی، مجمع‌الجزایر، اسلام، مذهب شافعی، تصوف، حج.

در کشور اندونزی پرجمعیت‌ترین کشور مسلمان جهان، بیشتر مردم شافعی مذهب و شماری دیگر، از سایر فرق اسلامی، مانند حنفی، حنبلی، مالکی، جعفری، زیدی و اسماعیلی، پیروی می‌کنند. فرقه‌های تصوف، مانند نقشبندیه و تیجانیه، نیز در اندونزی رواج دارد و حضور تصوف در فرهنگ و مذهب مردم این کشور ملموس است.

با نظر به جایگاه جمعیتی مردم مسلمان اندونزی در جهان و غلبه مذهب شافعی از مذاهب عمده و مطرح در مجمع‌الجزایر، تحقیق حاضر، درصدد دریافت این مطلب است که عوامل ورود اسلام و مذهب شافعی به این کشور چه بوده است؟ چه عواملی سبب پذیرش این مذهب به طور فراگیر نزد عموم مردم گردید؟ کدامیک از زمینه‌های مطرح در گسترش مذهب شافعی نقش وزینی را ایفا کرده است؟

در راستای نیل به پاسخ پرسش‌های فوق، که با مطالعه کتابخانه‌ای و رجوع به منابع و گزارش‌های تاریخی صورت پذیرفت، فرضیات زیر به روش بررسی تاریخی مورد ارزیابی توصیفی - تحلیلی قرار گرفت:

۱. در بدو ورود اسلام به اندونزی، نقش بازرگانان و مبلغان مسلمان، خاصه مبلغان ایرانی، حائز اهمیت بوده و در فراگیری مذهب شافعی، نقش فرهنگی معنوی حج، تداول ارتباط حجاج اندونزیایی با مکه و در نتیجه رواج تصوف، مدارس، احزاب و روحانیون از عوامل اصلی به شمار می‌آیند.

۲. گسترش جهانی فقه شافعی در زمان مواجهه اندونزیایی‌ها با اسلام، در کنار عواملی چون پیوستگی تصوف با مذهب شافعی، که متناسب با زمینه‌های پذیرش مجمع‌الجزایر، یعنی گرایش‌های صوفیانه پیشین بوده، از عوامل دخیل هستند.

۳. نقش ارتباط معنوی، فرهنگی، تجاری و علمی مردم اندونزی با حجاز و نگرش

ماورایی مردم به حج، در مقایسه با دیگر بسترهای مطرح قابل توجه است.

ضرورت بازنمایی چنین مباحثی در شناخت زمینه‌های گسترش فرق اسلامی در کشورهای مسلمان، به منظور دست‌یابی به راهکارهای گفتمان فرهنگی و مذهبی میان فرق و مذاهب اسلامی حائز اهمیت است.

مقاله حاضر با بیان مختصری از تاریخچه پیدایش و شکل‌گیری اسلام در مجمع‌الجزایر اندونزی، عوامل و بسترهای انتشار و گرایش مردم اندونزی به مذهب شافعی را بررسی کرده است.

## اندونزی

کشور اندونزی در آسیای جنوب شرقی و شمال اقیانوسیه قرار دارد. این کشور در مجمع‌الجزایر مالایی بین قاره آسیا و اقیانوسیه واقع شده و بر همهٔ جزایر آسیا و استرالیا، از جمله فیلیپین، اطلاق می‌شد (ولک، ۱۳۷۴، ص ۲۷).

مجمع‌الجزایر اندونزی متشکل از چندین هزار جزیره کوچک و بزرگ با وسعت تقریبی ۱/۹۵۷/۵۶۷ کیلومتر در جنوب شرقی آسیا (جاویدفر، بی‌تا، ص ۴۹)، بزرگ‌ترین مجمع‌الجزایر جهان و پرجمعیت‌ترین کشور مسلمان‌نشین، با بیش از ۲۴۰ میلیون نفر است (مازندرانی، ۱۳۴۵، ص ۴۵). این کشور بین دو قاره آسیا و استرالیا و در میان اقیانوس‌های آرام و هند قرار دارد که مشتمل بر ۳۰۰۰ جزیره مسکونی و هزاران جزیره کوچک است (مازندرانی، ۱۳۴۵، ص ۱۱).

مهم‌ترین جزایر اندونزی عبارتند از: جاوه، بخش جنوبی برنئو (کالیمانتان)، سولاویسی، مجمع‌الجزایر ملوک، گینه غربی و سوندا (محبوب، ۱۳۶۲، ص ۴۶) که در اثر نامتعادل بودن توزیع جمعیت، حدود ۶۰ درصد کل اهالی کشور در یکی از جزایر آن به نام جاوه به سر می‌برند و ۴۰ درصد باقی‌مانده در بیش از ۱۲۰۰۰ جزیره دیگر استقرار یافته‌اند. در مجمع‌الجزایر اندونزی بیش از دو‌سوم زبان محلی، بیش از ۳۸۰ لهجه (ناصری داودی، ۱۳۸۴، ص ۱۵۱) و بیش از سیصد گروه قومی وجود دارد

که آیین‌ها و مذاهب گوناگونی دارند. با وجود این، نژاد بیشتر مردم ملایو است (حسینی جلی، ۱۳۹۰، صص ۵۵ و ۵۴).

زبان اندونزیایی به عنوان زبان رسمی کشور شناخته می‌شود و سایر زبان‌ها و لهجه‌ها مانند آچه‌ای، جاوه‌ای، باتاکی، سوندانی، ساساکی غیررسمی بوده و به عنوان زبان محلی از آن‌ها یاد می‌شود (ناصری داودی، ۱۳۸۴، ص ۱۵۱). آب و هوای گرم و مرطوب استوایی و باران‌های سالیانه بسیار از ویژگی‌های جذاب مجمع‌الجزایر است (اسعدی، ۱۳۶۶، ص ۲۷۹).

دین رسمی این کشور اسلام است و حدود ۹۴ درصد جمعیت مسلمانانند که به‌طور عمده سنی و پیرو مذهب شافعی هستند. اسلام در این کشور به دو قسمت تقسیم شده است: یکی اسلامی که مسلمانان آبانگان یا صوری و اسمی مدعی آن هستند و آمیزه‌ای از آیین‌ها و شعایر و مراسم روح‌گرایانه هندو - اسلامی است و دیگری مسلمانان سانتری که از لحاظ اعتقادی کاملاً به ارکان اسلام و شریعت معتقدند (گنجی، ۱۳۸۰، ص ۳۵۵).

### اسلام در مجمع‌الجزایر

اندونزی پیش از اسلام، حدود هزار سال تحت سلطه فرمانروایان هندو قرار داشت که در قرن اول یا دوم میلادی به عنوان بازرگان به اندونزی نفوذ کرده و سرانجام به واسطه مهارت در دیپلماسی بر آن سرزمین استیلا یافتند (اسعدی، ۱۳۷۷ش، ص ۳۵۳). مردم هند با برقراری روابط تجاری و مهاجرت، فرهنگ آن سرزمین را تحت تأثیر ادیان و باورهای هندوئیسم، بودیسم و سایر فرقه‌های موجود در هند قرار دادند (ولک، ۱۳۷۴ش، ص ۴۸).

در ابتدا باید دانست که درخصوص چگونگی ورود اسلام به مجمع‌الجزایر و گسترش آن نظریه‌های متفاوتی وجود دارد. یکی از مهمترین عوامل انعطاف‌پذیری مبلغان مسلمان آداب، رسوم و فرهنگ بومی بود؛ این امر تا جایی که در تضاد آشکار

با عقاید و فرهنگ اسلامی قرار نمی‌گرفت، برجا بود. پس از آن پیوند مبلغان نخستین اسلام با فرهنگ بومی، سبب گردید که خود بومیان مسلمان با شوق و علاقه به تبلیغ اسلام روی آوردند (وثقی، ۱۳۸۹ش، ص ۳۳۳). این موضوع تنها اختصاص به مجمع‌الجزایر نداشت و در واقع سادگی ورود اسلام به جوامع شرقی از عوامل پذیرش آن در این ممالک بود؛ چنانچه در جوامع جنوب شرقی آسیا، تنها در مقیاس یک روستای محلی و حول یک مدرّس و روحانی، ورود می‌یافت و علما، واعظان و اولیای خدا، مساجد و مدارس را تأسیس و تبلیغ را میان مردم آغاز می‌کردند (لاییدوس، ج ۲، صص ۶۲۲ و ۶۳۱).

درباره زمان دقیق ورود اسلام به این بخش از جهان هم مباحث بسیاری بین مورخان وجود دارد. به لحاظ تاریخی، در فاصله میان قرون سیزدهم تا شانزدهم میلادی (هفتم تا یازدهم قمری)، حکومت‌های اسلامی متعددی در این نواحی پدید آمد و به تبع آن، آیین اسلام میان مردم رواج یافت. در عین حال شواهد متعدد تاریخی گویای آن است که دست کم از چهار قرن پیش از این تاریخ، یعنی از حدود قرن هشتم میلادی (سوم قمری)، تجار و دریانوردان مسلمان به این مناطق آمدند و در این دیار سکنی گزیده و از طریق ازدواج و برقراری پیوند خویشاوندی با مردم بومی، به‌سهم خود عامل رواج اسلام در منطقه شدند که البته چندان گسترش نداشت (جونز، ۱۳۷۲، ص ۱۶۲).

در گزارش‌های ورود اسلام به اندونزی هیچ نشانی از قشون‌کشی دیده نمی‌شود و ورود مسالمت‌آمیز دین در مناطق مدعو به اسلام، از ویژگی‌های مهم مقبولیت عمومی بود، اما بعد از آنکه یک دولت اسلامی در یک منطقه تأسیس می‌شد، به منظور گسترش اسلام به دیگر مناطق، جنگ صورت می‌گرفت. بخش دیگر هم به واسطه مسافرت‌های مسلمانان ملایو و جاوه به شرق اندونزی و تبلیغ و ترویج اسلام به دست آن‌ها صورت گرفته است (لاییدوس، ج ۲، صص ۲۰-۱۷).

در مجموع با حضور بازرگانان مسلمان هندی، ایرانی<sup>۱</sup> و چینی در جزایر سوماترا

۱. این ادعا وجود دارد که اسلام رایج در جاوه، از ایران به هند غربی و سپس به سوماترا آمده است (مطهری، ۱۳۶۰، ص ۴۱۷).

و جاوه که به صورت صلح آمیز بود (ر.ک: هندریک میولمان، ۱۳۷۵ش: صص ۳۰ و ۳۱) و مناسبات اقتصادی مردم اندونزی با مسلمانان و اسلام آوردن حاکمان، اسلام در مجمع‌الجزایر رواج یافت. زمینه‌های نامبرده مرهون بزرگ‌ترین جزایر اندونزی، یعنی سوماترا و جاوه، که دارای موقعیت بازرگانی و کشاورزی بودند، شکل گرفت. وجود کالاهای خاص در این جزایر، سبب گردید بازرگانان همواره به این دو جزیره توجه داشته باشند (میسلیونه، ۱۳۶۹، ص ۱۸۴). افزون بر آن قرار گرفتن جزایر اندونزی بر سر راه یکی از مهم‌ترین گذرگاه‌های تجارت بین‌المللی، یعنی مسیری که از شرق آسیا تا جنوب آسیا و خاورمیانه ادامه می‌یافت، خود عامل اقتصادی دیگری برای توجه مبلغان بود (هندریک میولمان، ۱۳۷۵، ص ۲۴). از طرف دیگر، پذیرش اسلام پادشاهان و حاکمان آچه، سبب شکل‌گیری حکومت‌های اسلامی در جزایر اندونزی شد. آچه تا نیمه قرن هفدهم میلادی شاهد فرمان‌روایی حکمرانان مسلمان مقتدری بود که مروج علوم و معارف اسلامی نیز بودند (جونز، ۱۳۷۲، ص ۱۶۸).

از جمله حکومت‌های اسلامی معروف اندونزی حکومت پاسی بود که در اواخر قرن سیزدهم میلادی (هفتم قمری) در سواحل شرقی سوماترا تأسیس و مرکز فعالیت سوداگران عرب و ایرانی شد (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۳ش، ص ۳۵۹). سپس در آخر قرن پانزدهم میلادی و در نتیجه سقوط امپراتوری ماجاپاهیت که بر اثر نفوذ اسلام، دچار اختلافات شدید با مسلمانان شده بود، بیست پادشاهی مسلمان در سراسر مجمع‌الجزایر به وجود آمد (فرخی، ۱۳۷۴، ص ۱۱۵؛ اسعدی، ۱۳۶۶، ص ۲۹۰).

نقش سادات و شیعیانی که به مجمع‌الجزایر آمدند نیز در اسلام آوردن مردم این منطقه حائز اهمیت است. در دوران خلافت عباسی که عرصه بر شیعیان و فرزندان اهل بیت علیهم‌السلام تنگ شد، بسیاری از سادات و شیعیان در جست‌وجوی مکانی امن به دیگر سرزمین‌ها مهاجرت کردند. در این میان برخی از مسیر هندوستان و از طریق کشتی وارد جزایر اندونزی شدند. در رأس آن‌ها احمد بن عیسی بود که نسبش به امام جعفر صادق علیه‌السلام می‌رسید (درخشه و مرتضوی، ۱۳۸۹، ص ۱۸۶).

نقش اولیای سادات به عنوان داعیان اولیه اسلام به‌ویژه در جاوه مبرز است. در منابع از هفت تن از اولیای نُه‌گانه سادات نامبرده شده و در اکثر منابع مربوط به تاریخ ورود اسلام به اندونزی، نام عرب‌های سید در فهرست اصلی داعیان و مبلغان اسلام در جزایر این کشور، از جمله ملایو، ملاکا، سوماترا، جاوه، برونی و فیلیپین قرار دارد. در برخی از گزارش‌های تاریخی، مذهب این سادات، امامیه و در برخی دیگر شافعی ذکر شده است (ربانی، ۱۳۹۲؛ شهاب، ۱۴۰۰، ص ۱۲۱).

نقش معکوس حضور استعمار در اندونزی از قرن هفدهم میلادی، عامل اثرگذار دیگری برای گسترش اسلام بود. اندونزی مهم‌ترین و سودآورترین بخش امپراطوری هلند به شمار می‌رفت. هلند کنترل این کشور را تا سال ۱۹۴۲م حفظ کرد. بعد ژاپنی‌ها به این مستعمره هجوم آوردند و با تسلیم ژاپن در ۱۹۴۵م، احمد سوکارنو بنیان‌گذار حزب ملیون شد. پس از آن استقلال اندونزی اعلام گردید (روحانی، ۱۳۸۸ش، ص ۲۶۵). در سال‌ها تلاش استعمار برای گسترش مسیحیت، با اتخاذ سیاست‌هایی از جمله ساختار قضایی<sup>۱</sup> که نتیجه آن کمرنگ شدن اسلام و قوانین آن و تابع قرار دادن اسلام در برابر ویژگی‌های فرهنگی بود (هوکر، ۱۳۷۱، ص ۱۹۴) و اتخاذ سیاست‌های رفاهی که به رشد جنبش‌های ناسیونالیستی انجامید (اسعدی، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۲۹۳)، قومیت‌گرایی ترویج و از هرگونه تشکل و سازمانی که خواهان کشوری مستقل یا مظاهر اسلام‌خواهی است، جلوگیری شد. به رغم چنین تدابیری گروه‌های اسلامی توانستند با تمسک به اسلام و با خیزش‌های مختلف اسلامی، به استقلال کشور دست یابند (حسینی‌جبلی، ۱۳۹۰، ص ۱۴۹). علل این اتفاق بهره‌گیری حکام محلی آچه، ملاکا، بنتام و غیره در مبارزات خود با استعمارگران و اخراج آنها از نهادهای اسلامی بود و همین مسئله، موجب تقویت اسلام‌گرایی در این مناطق گردید (فدرشپیل، ۱۳۸۴، ص ۱۰۵).

۱. در این سیاست، به‌عنوان نقطه بنیادین، سیستمی از نظام‌های قضایی جداگانه برای هر یک از نژادهای مربوط به شمال شرقی اندونزی، انتخاب می‌شد.

## مذهب شافعی

مذاهب اربعه اهل سنت، در تقدم زمانی، به ترتیب حنفی، مالکی، شافعی و حنبلی در سه مکان بغداد، مدینه و مصر به وجود آمدند. از نظر سطح قلمرو امروزی، به ترتیب حنفی، شافعی، مالکی و حنبلی بیشترین پیروان را دارند (مادلونگ، ۱۳۷۲، ص ۱۰۶). پیروان فقه شافعی حدود ۳۵۰ میلیون بوده و در مصر، اندونزی و مالزی بیشترین جمعیت را دارند. البته این مذهب به صورت پراکنده نیز در جهان اسلام پیرو دارد، مانند کردها که شافعی هستند. بیشتر شافعیان و مالکیان از نظر مکتب کلامی اشعری‌اند. بسیاری از علمای بزرگ شافعی مانند غزالی، فخر رازی، جوینی، باقلانی، ایجی، تفتازانی و جرجانی فقه شافعی را قبول داشته‌اند، اما دیدگاه کلامی او را نپذیرفتند، بلکه طرف‌دار باورهای کلامی اشعری بوده‌اند (فرمانیان، ۱۳۸۹، صص ۱۳۶ به بعد).

بنیان‌گذار مکتب شافعی ابو عبدالله محمد بن ادریس شافعی است. زندگی فقهی شافعی در مقام یک فقیه، به دو قسمت مشخص تقسیم می‌شود: یکی اندیشه فقهی قدیم او که میراث دوره اقامتش در بغداد است و دیگر اندیشه فقهی او از دوره اقامتش در مصر که از آن به عنوان فقه جدید یاد می‌شود. آراء فقهی شافعی نخست به دست شاگردان مصری‌اش تدوین شد و تنها در نسل بعدی بود که این مذهب به شرق راه یافت (مادلونگ، ۱۳۷۲، ص ۱۰۶).

تنوع و تعدد منابع فرهنگی دانش فقهی شافعی، استنباط فقهی و تفسیر احکام قرآنی، قدرت مقابله و مناظره او به عنوان یک فقیه در حوزه‌های کلام و حدیث، افزون بر همه تدوین علم اصول فقه برای نخستین بار در دنیای اسلام از ویژگی‌های مطرح فقه شافعی است (بیهقی، ۱۳۹۱، صص ۴۴-۲). به خصوص آنکه وی هیچ نوع وابستگی خاصی به مدرسه کلامی مشخصی نداشت و بر حدیث مبتنی بود؛ تا جایی که نخستین رهبران مذهب شافعی همچون ابن خزیمه در نیشابور و ابوبکر اسماعیلی در گرگان، به طور برابر یا بیشتر محدث شناخته می‌شدند. شافعی خود نیز در تلاش

برای عرضه احادیث، به ویژه احادیث پیامبر ﷺ پیشگام بود؛ از آن جهت که حدیث در حجیت استدلال‌های فقهی نقش دارد (مادلونگ، ۱۳۷۲، ص ۱۰۳).

مذهب فقهی شافعی راه میانه‌ای بین دو مکتب مالکی (گرایش به سنت) و حنفی (استنتاج قیاسی) بوده و حب اهل بیت علیهم‌السلام و ذکر مناقب و اظهار فضایل آن بزرگواران در کلام و اشعار شافعی دیده می‌شود (امین، بی تا، صص ۲۱۸-۲)؛ نسبت نادرست تشیع به وی (ابن سعد، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۲۸۳) از جانب مخالفان شیعیان مطرح بوده است. بر این اساس می‌توان گفت که مذهب شافعی در اندونزی مضاف بر ویژگی‌های نامبرده، با تصوف و نمادهای تشیع هم آمیخته شده است.

## زمینه‌ها و عوامل گسترش مذهب شافعی

### ۱. نقش فرهنگ

در بحث زمینه‌های گسترش مذهب شافعی در مجمع‌الجزایر پذیرش فرهنگ حاکم مردم که بخشی از آن حاصل اختلاط با دیگر رسوم بیگانه بود قابل توجه است. اندونزی در طول تاریخ شاهد سه موج فرهنگی خارجی بود که بر زندگی فرهنگی و اجتماعی مردم آن سرزمین تأثیری عمیق داشت. این تهاجم از شبه‌قاره هند با برخی از رسم‌های جاوه‌ای و آیین بودایی و هندویی و از منطقه خاورمیانه با موج بیداری اسلامی و در آخر از جهان غرب از طریق استعمار هلند، پرتغال و... صورت گرفت (حسینی جلی، ۱۳۹۰، صص ۵۵ و ۵۶).

### ۲. نقش بازرگانان و مبلغان مسلمان

طبق نظر اکثر مورخان، اسلام از مجرای صلح‌آمیز و در بستر مراودات تجاری و بازرگانی به ساکنان جزایر اندونزی معرفی شد و داعیان و مبلغان نخستین اسلام هم زمان با بازرگانان مسلمان وارد این منطقه شدند. آن‌ها از سرزمین‌های عربی، ایرانی، هندی و چینی به این ناحیه وارد شدند (ر.ک: مظفری، ۱۳۷۴، ص ۳۲؛ انصاری محلاتی،

۱۳۸۳، ج ۱، ص ۶۳؛ نوثر، ۱۳۷۰، ص ۹۰؛ مازندرانی، ۱۳۴۵، ص ۵۸، عزتی، ۱۳۸۷، ص ۱۳۹) عامل این ورود در گزارش‌های تاریخی اسلام، گروهی از بازرگانان خوارزمی و تجار سمرقندی و بخارایی به مجمع‌الجزایر شناخته شد. به‌ویژه در عصر خوارزمشاهیان، رفت‌وآمد ایرانیان به خاک چین افزایش یافت و بعد از حمله مغول بیشتر هم شد. سیر همین جریان در نفوذ اسلام به جزایر هند نیز صورت گرفت و ایرانیان در ترویج اسلام در شبه‌قاره هند نقش به‌سزایی ایفا کردند (ر.ک: مطهری، ۱۳۶۰، ص ۳۴۳). روشن است که شرایط مذهبی و گرایش ایرانیان آن زمان، بر چگونگی ورود اسلام در این مناطق اثرگذار بوده است؛ به‌ویژه آنکه تجار این کشورها، اسلام را به مجمع‌الجزایر معرفی کردند. بنابراین در بررسی ویژگی‌های ورود اسلام به اندونزی و چگونگی گسترش مذهب شافعی در آن، لازم است ابتدا نکاتی را درباره ایران سده‌های میانی یادآور شویم.

### بازرگانان و مبلغان ایرانی

رفت‌وآمد کاروان‌های تجاری دریایی ایران به منطقه جنوب شرقی آسیا - که در قرن هفتم میلادی گسترش یافته بود- فرصت معرفی افکار و اندیشه‌های تجار و مبلغان ایرانی را فراهم کرد. در اواخر قرن سوم تا پایان قرن پنجم هجری، با گسترش مذهب شافعی در ایران و تلاش فقهای بزرگ ایشان؛ برترین مدارس علمی جهان اسلام در ایران تاسیس شد و تا سال‌های متمادی، شافعیان ایران رهبری فکری جهان اسلام را به دست داشتند (نقشبندی، ۱۳۹۹، صص ۲۰۸-۱۹۱). پس از آن با حضور تصوف و ظهور سلسله‌های صوفی در جهان اسلام (روحی، ۱۳۹۱، صص ۵۷-۵۵)، مقدمات پیوند میان تصوف و مذهب شافعی فراهم گردید (پورجوادی، ۱۳۶۸، ص ۷). بنابراین اسلامی که به دست بازرگانان ایرانی به اندونزی راه یافته بود، اسلامی شافعی‌مذهب با رگه‌های تصوف بود. این در حالی بود که حضور ادیان بودایی و هندو در قرون متمادی در اندونزی، زمینه پذیرش چنین دیدگاهی را کاملاً مهیا ساخته بود و اگر ورود مذهب شافعی به اندونزی را طی قرون هفتم و هشتم قمری بدانیم، باز فراگیر شدن تصوف در

ایران و پیوندش با مکتب شافعی در آن مقطع، دلیل دیگری بر این مدعاست، چراکه در آن زمان؛ پیروان شافعی با طرفداران اشاعره و متصوفه در ایران متحد شده بودند (لاپیدوس، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۲۴۱) و اسلامی که حاصل امتزاج یادشده بود به دیگر کشورهای آسیا نیز صادر شد.

حضور ایرانیان مقیم در اندونزی و مبلغان ایرانی نژاد<sup>۱</sup>، خود شاهد دیگری بر این نظر است. مولانا ملک ابراهیم کاشانی نخستین شخص از اولیای نه گانه جاوه بود و به همراه فرزنداناش در ورود اسلام به جاوه و گسترش آن نقش مهمی ایفا کردند. سنگ قبر وی در یکی از بنادر شرق جاوه موجود است (هوکر، ۱۳۷۲، ص ۱۸). مولانا از اولین کسانی بود که اسلام را در جاوه تبلیغ و منتشر کرد و برای گسترش اسلام مراکز علمی بنا نمود و به تربیت نیروهای جوان مشغول شد. در خصوص اصالت وی قول‌های متفاوتی ذکر شده که قوی‌ترین آن، نژاد کاشانی وی است (نظریور، ۱۳۸۶، صص ۶۱ و ۶۲). دو عارف صوفی ایرانی نژاد دیگر نیز، در قرن ششم قمری به نام‌های معین‌الدین چشتی و نظام‌الدین اولیا به هندوستان رفته و تأثیرات عظیمی را در شبه‌قاره هند برجا گذاشتند (مطهری، ۱۳۶۰ ص ۴۲۰). همچنین در منابع تاریخی از دو تاجر عرب ایرانی نژاد به نام‌های عبدالله عریف و برهان‌الدین - شاگرد وی - هم، نام برده شده که از بازرگانان مقیم گجرات (واقع در جنوب غربی هندوستان) بوده‌اند. بازرگانان مزبور که به جنوب شرقی آسیا رفت و آمد می‌کردند، فرهنگ اسلامی را به این مناطق انتقال می‌دادند (رستاخیز اندونزی، بی‌تا، ص ۳۰) یا شخصیت‌های مهم صوفی و عارف سرشناسی همچون بایزید بسطامی (درگذشت ۲۶۹ق/۸۷۵م) و ابن جنید خراز (درگذشت ۲۷۹ق/۹۰۹م) که بنا بر گزارشات تاریخی در انتشار اسلام اندونزی نقش داشته‌اند (لاپیدوس، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۱۳۴).

۱. ایرانیانی که در اندونزی اقامت کردند، بیشتر از اهالی فارس ذکر شده‌اند که بر اثر حمله مغول و پس از آن حمله تیمور یا بر اثر خرابی و از دست دادن سرمایه، به این مناطق رفتند و موجب انتقال دین اسلام به این نواحی شدند (مطهری، ۱۳۶۰، ص ۳۹۵)

با دریافت نقش مبلغان خارجی در شناخت اسلام به مجمع‌الجزایر باید دانست که در تاریخ اندونزی اولیای نه‌گانه جاوه‌ای عارفان و صوفیانی بودند که رهبری دینی مردم را برعهده داشتند. آن‌ها میان افراد و طبقات ممتاز و پرنفوذ به تبلیغ دین اشتغال داشتند و به کمک آن‌ها و سلاطین مسلمان مدارس، مساجد و مراکز علمی فراوانی دایر کردند (موثقی، ۱۳۸۹، ص ۲۳۰). از مهم‌ترین این مبلغان مولانا برهان‌الدین از پیروان طریقت قادریه بود که به عبدالقادر جیلی (۴۷۱ - ۵۶۱ق) مشهور است. در آثار مولانا برهان‌الدین گرایش به تفسیر و تأویل عرفانی قرآن مجید مشهود است. او شافعی‌مذهب بود و مسلمانان امروز اندونزی وام‌دار تعالیم وی هستند (اسعدی، ۱۳۷۷ش، ص ۳۶۳).

### ۳. نقش مدارس، احزاب و روحانیون

بعد از نقش مبلغان در گسترده‌گی اسلام مجمع‌الجزایر بدون تردید، سازمان‌ها، حوزه‌های دینی و مدارس آموزشی متعددی که تشکیل شد و به «پسانترن» شهرت یافت، در ترویج مذهب شافعی مؤثر بودند. در این مدارس فقه شافعی، اصول عقاید بر مبنای مکتب اشاعره و آثار اخلاقی و عرفانی امام محمد غزالی تدریس می‌شد (حسینی جلی، ۱۳۹۰، ص ۱۶۹). وجود احزاب نیز در تدوam مذهب و فقه شافعی در مجمع‌الجزایر مشهود است. نهضت‌العلماء به عنوان یکی از سازمان‌های بزرگ اسلامی (۱۹۲۶م)، حرکتی از سوی سنت‌طلبان در برابر اصلاح‌طلبان انجمن محمدیه بود که با اهدافی از جمله تحکیم وحدت بین علماء، نظارت بر کتاب‌ها در مراکز آموزشی، ترویج اسلام، کمک به مساجد، نمازخانه‌ها و مدارس علمیه حرکت خود را پیش می‌برد. امروزه نهضت‌العلماء قدرت اجتماعی و کانون پرنفوذ مذهبی قابل توجهی در

۱. در بحث ملیت وی بین محققان اختلاف نظر وجود دارد: غالب صاحب‌نظران وی را از جیلان (گیلان امروزی در ساحل دریای خزر، در شمال ایران) دانسته، انتساب وی به طبرستان (مازندران) نیز می‌تواند قرینه‌ای بر انتساب وی، به صومعه‌سرا باشد (ر.ک: فقیه بحرالعلوم، بی تا، ج ۱، صص ۴۴۳-۴۴۴).

اندونزی دارد که از روستاهای جاوه به شهرهای اندونزی امتداد یافته است. اسلام در نظر آنان غالباً بر مبنای فقه<sup>۱</sup> بود. بسیاری از آنان جزء طریقت‌های رایج صوفیه در اندونزی بودند، اما بر پیروی از مذهب شافعی و حفظ شعائر سنتی تأکید می‌ورزیدند (مرتضوی، ۱۳۹۱، صص ۱۳۶ و ۱۳۷).

#### ۴. نقش حجاج اندونزیایی

حج در زندگی مردم مجمع‌الجزایر، شاه‌راهی برای کسب اعتقادات، علم و دانش، تجارت، مقبولیت، مشروعیت حکومت‌ها و مردم بوده و نقشی حیاتی را در زندگی اسلامی مسلمانان اندونزی ایفا کرده است؛ ارتباط دو سویه میان مکه و اندونزی، سبب سفرهای بسیاری از اعراب حجاز - دانشوران صوفی - به مجمع‌الجزایر گشت که در نتیجه نفوذ بالای مکیان بر مردم، مبدأ بسیاری از جنبش‌های سیاسی و دینی رقم خورد (خرونیه، ۱۴۱۱ق، ج ۲، صص ۳۷۱ و ۳۸۸).

آغاز این ارتباط با افتتاح کانال سوئز و مشرف شدن اندونزیایی‌ها به مکه آغاز شد و اسلام فراتر از تعالیم بومی پیشین، به این کشور راه یافت. حجاج با فراگیری راه و روش زندگی مسلمانان و فهم ملموس فرهنگ و آداب اسلامی، تحولی دگرگون پیدا کردند و این تجربه را به کشورشان انتقال دادند (لاپیدوس، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۲۵۸). اهمیت سفر کردن به مکه تاجایی قوت گرفت که در سال ۱۶۳۰م، شاهان بانتن و ماتارام، برای رقابت با یکدیگر نماینده‌ای جدا به مکه ارسال می‌کردند تا برای دریافت مقام سلطان، از شریف مکه اجازه بگیرند. در واقع مردم اندونزی تنها مردمی بودند که در اعتقاد به اخذ مشروعیت حکومت پادشاه از شریف مکه اهتمام داشتند و پیش از این، چنین رسمی وجود نداشت (برونسن، ۱۳۸۵: ۲۰۹؛ دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱، ص ۱۲۷). حتی برای کسب مقبولیت نیز، سفر حج در

۱. اندونزیایی‌ها به‌طور کلی در فلسفه دین پیرو غزالی و در کلام دنباله‌رو اشعری و در فقه پیرو شافعی بوده‌اند (حسینی جلی، ۱۳۹۰، صص ۳۳۳ و ۳۳۵).

نزد آنان جایگاه متمایزی داشت و مطلب فوق در اسناد تاریخی نیز مشهود است؛ چنانچه در زبان مالایو آمده است که بنیان‌گذار اسلام در بانتن، پادشاهی به نام سونان گونونگ جاتی در جاوای غربی بود که حج را در سفری فوق طبیعی به همراه پسرش رفت، فرزند وی در مدینه علم را فراگرفت و به فرقه نقشبندیه وارد شد. در اعتقادات آن‌ها افرادی مانند شیخ محی‌الدین و مولانا منصور نیز، با نیرویی ماورایی به حج رفته‌اند. (برونسن، ۱۳۸۵، ص ۲۰۹).

قداست سفر به مکه در زندگی مردم مجمع‌الجزایر به چنین مواردی ختم نگردید و در نزد آنان، رفتن به چند مکان، حکم رفتن به مکه را دارد؛ برای نمونه مردم شهر کونینگان معتقدند هر کس سه بار به کوه چیرمای برود، ثواب به مکه رفتن را خواهد برد. این مطالب حاکی از آن است که نقش حج و ارتباط با مکه، به عنوان مرکزی برای کسب علم و فعالیت‌های سیاسی، برای مردم جاوا بسیار مهم بوده و مکه و مدینه برای مردم اندونزی جایی برای تقرب به خالق هستی و آموختن علوم اسلامی به شمار می‌آمده است (برونسن، ۱۳۸۵، ص ۲۱۰).

بدین سبب می‌توان به نقش سفر حجاج اندونزیایی در تأثیرپذیری مردم اندونزی از گرایش‌های مذهبی حجاز متنبه گردید؛ چراکه مذهب شافعی در تاریخ مکه قدمتی کهن دارد و بنابر گزارشات تاریخی در دوره اول عباسی، فقیهان شافعی دارای موقعیت برتر در شهر مکه بودند؛ چنان‌که سفیان بن عیینه که برجسته‌ترین فقیه در زمان خود بود، فقه تعلیمی خود را از شافعی می‌گرفت و حلقه‌های علمی مکه، از طلاب شافعی و مالکی مملو بودند (السباعی، ۱۳۹۱، ص ۴۳۰). هرچند که این حضور در طول قرن‌های چهارم تا ششم قمری به سستی گرایید، اما در ادوار بعدی، برتری مجدد شافعیان در مکه رقم خورد؛ چنانچه در دوره ایوبیان، اولین امامی که در مسجدالحرام نماز می‌گزارد، امام شافعی بود و بعد از او نوبت به امام مالکی می‌رسید (همان، صص ۲۷۵ و ۳۱۱). این روند تا اواسط سده دهم قمری برقرار بود و قاضی‌القضات شهر مکه همیشه از شافعیان انتخاب می‌شد (جعفریان، ۱۳۸۵، ص ۱۰۳).

اما آنچه مذهب شافعی را در مکه انتشار داد حمایت عباسیان بود، آنان در مدت خلافتشان، برای مبارزه و مقابله با شیعیان زیدی که در جنوب و غرب جزیره العرب اکثریت غالب بودند، از مذهب شافعی حمایت کردند و همین سبب گردید شافعیان از موقعیت والایی در مکه برخوردار شوند و بیشتر مردم مکه، شافعی مذهب شوند (الخیاط، ۱۳۷۵، صص ۱۳۴ و ۱۳۵).

در اوایل قرن بیستم میلادی، مسافرت اندونزیایی‌ها به حجاز شدت گرفت؛ به طوری که حدود ۴۰ درصد حجاج را حاجیان اندونزی تشکیل می‌دادند و در مکه زبان مالایو متداول‌ترین زبان بعد از زبان عربی بود. آنان هر سال پیش از آغاز ماه رمضان، به سفر حج مشرف می‌شدند تا در نماز تراویح مسجدالحرام شرکت کنند و از این بابت در حدود چهار یا پنج ماه در مکه زندگی می‌کردند. علاقه به کسب علم سبب گردید که برخی از ایشان ابتدا در مدرسه شولاتیه مکه درس خوانده و در نتیجه در جریان فعالیت‌های ضداستعماری قرار بگیرند، سپس با افزایش جمعیت اندونزیایی‌ها، مدرسه دارالعلم در مکه بنا شد که نزد عالمان این کشور حوزه مهمی محسوب می‌شود (برونسن، ۱۳۸۵، صص ۲۰۷ و ۲۱۵).

غلبه و اهمیت شافعی مذهب‌ها در سفر حج از دید سفرنامه‌نویسان نیز مغفول نماند و بورتون جهانگرد اروپایی در این باره معتقد است: مذهب شافعی همواره از اهمیت فوق‌العاده‌ای در مکه (در قرن ۱۹م/۱۲ق) برخوردار بود و امامان و مدرّسان این مذهب، حلقه‌های تدریس متعددی را در مسجدالحرام برقرار می‌کردند (الخیاط، ۱۳۷۵، صص ۱۳۴ و ۱۳۵). در واقع جویندگان دانش اندونزیایی با سکونت در شهر مکه مروج آئین‌های صوفیانه در کشور خویش بودند. اقامت‌های طولانی ایشان و اخذ علوم و گرایش‌های صوفیانه، توسط رهبران صوفی اندونزیایی، انتقال این میراث را به مجمع الجزایر میسر کرد؛ چنانچه شیخ یوسف مکاسری با بیش از دو دهه اقامت و آموختن علوم گوناگون در سال ۱۶۷۰م. به اندونزی بازگشت و به تدریس تصوف پرداخت (برونسن، ۱۴۱۵ق، صص ۹۲ و ۹۳). دیگر جویندگان تصوف نیز به همین ترتیب

با تسلط بر مباحث تصوف به کشور خود بازگشته و مروج آن بودند؛ محمد قاروت، حسن مصطفی، اسماعیل باتتن، ارشد بن علوان، ارشد بن اسعد، احمد جاها، عبدالشکور، شیخ محمد نوای معروف به شیخ نوای باتتن که نام وی برگرفته از امام فقه شافعی - نووی - بوده است، در شمار دانشوران و مشایخ جاوی مقیم مکه و پیرو طریقت صوفیه به شمار می آیند (خرونیه، ۱۴۱۱ق، ج ۲، صص ۴۵۸-۴۵۰؛ صص ۴۶۴-۴۶۲).

از دیگر پیامدهای حضور مؤثر حجاج، انتقال میراث فرهنگی اسلام به اندونزی به واسطه نشر کتب عربی و ترجمه بسیاری از کتب مهم فقهی، حدیثی و کلامی به زبان مالایو بود (برونسن، ۱۴۱۵ق، صص ۹۰-۸۰) در برابر، اثرگذاری مردم مجمع الجزایر بر مکیان نیز قابل تامل است؛ تداول برخی لغات مالایی در میان مردم مکه و آشنایی بازرگانان و پیشه‌وران با زبان مالایو، حاکی از اثرات مطلوب تعامل فرهنگی بین حجاز و مجمع الجزایر است (خرونیه، ۱۴۱۱ق، ج ۲، صص ۳۸۸-۳۸۷؛ البتونوی، ۱۳۲۹ق، ص ۲۵۴).

از دیگر تأثیرپذیری‌های فرهنگی سفر حج در زندگی مردم اندونزی، انتخاب نام عربی با ورود به شهر مکه است که توسط مفتی شافعی صورت می‌پذیرفت. آنان تمایل داشتند که به اسامی بزرگانی چون شافعی، رفاعی، غزالی و نووی نامگذاری شوند. مفتی در نزد مردم جاوه بالاترین مقام دینی را دارا بود که مردم جاوه تجوید و قرائت سوره حمد را از او می‌آموختند و در مقام شافعی اذان می‌گفت (خرونیه، ۱۴۱۱ق، ج ۲، صص ۳۹۸-۴۰۰).

### ۱. پیوستگی تصوف با مذهب شافعی

گسترده‌گی تصوف در جهان اسلام انکارناپذیر است و در زمان فعلی، صد فرقه صوفی با حدود چهارصد تا پانصد میلیون پیرو وجود دارد که بیشترشان از اهل سنت هستند (فرمانیان، ۱۳۸۹، ص ۱۳۵). بسیاری از صاحب‌نظران براین باورند که تصوف اسلامی از مهم‌ترین عوامل نشر اسلام در مجمع الجزایر است که هم‌زمان با سقوط بغداد (۶۵۶ق) به دست مغولان شدت یافت (جونز، ۱۳۷۲، ص ۱۶۹).

گذشته از ویژگی‌های منحصر به فرد اسلام در پذیرش آن توسط جوامع مختلف، باید در نظر داشت که گسترش اسلام در هر منطقه با ویژگی‌های خود مردم منطقه هم ارتباط داشته است. در اندونزی به علت وجود ادیان بودایی و هندویی، اسلام با رنگ تصوف به آسانی گسترش یافت. تصوف نقش برجسته‌ای در تحکیم موقعیت اسلام در حکومت و گسترش آن بین اجتماعات محلی عهده‌دار بود و در مرحله بعد عامل تشکیل حکومت و تعیین شیوه عملکرد آن و کمک به پیشرفت حیات اجتماعی و اقتصادی بود. در آخر هم نقش مهمی را برای مقاومت در برابر استعمار اروپایی ایفا کرد (آرنولد، ۱۳۵۸، ص ۲۶۸).

وجود عناصر تصوف در اسلام اندونزی، در متن مذهبی جاوه در قرن شانزدهم کاملاً مشهود است (ریفلکس، ۱۳۷۰، ص ۱۹). این امر ناشی از حرکت بازرگانان مسلمان و مبلغان صوفی، پس از تثبیت اسلام در شبه‌قاره هند صورت گرفت (لاییدوس، ۱۳۷۶، ص ۶۰۸) و با سفر مدرسان، طلاب و زائران عتبات و مراکز معارف اسلامی به عربستان، تداوم یافت. در نتیجه این مراودات، افکار ابن عربی و غزالی به اندونزی نفوذ کرد و به کوشش مبلغان صوفی، فرقه‌های نقشبندیه و شطاریه و قادریه سازمان یافتند (لاییدوس، ۱۳۷۶، صص ۶۱۵ و ۶۱۹). گروه دیگری از مبلغان نیز به پیروی عبدالله عارف<sup>۱</sup> تبلیغ را آغاز کردند و یکی از پیروان وی به نام برهان‌الدین اسلام صوفی را تا سواحل غربی توسعه داد (آرنولد، ۱۳۵۸، ص ۲۶۸).

صوفیان نه فقط در مقام معلم، بلکه در کسوت بازرگانان و سیاستمداران در بارگاه فرمانروایان، محلات و مراکز دادوستد و روستاهای اندونزی نفوذ می‌کردند و عقاید و بینش‌های دینی خود را در قالبی مطابق با باورهای مردم اندونزی به آنان انتقال می‌دادند. عقیده وحدت وجود، پرستش قدسیان و اولیاء الله و ایمان به آنان در مقام شفاعت در زمره عقایدی بودند که هم در تصوف و هم در باورهای مردم اندونزی

۱. عبدالله عارف در قرن دوازدهم میلادی در شهر آتجه در شمال غربی سوماترا می‌زیست (آرنولد،

وجود داشت (لاپیدوس، ۱۳۷۶، ص ۶۰۸). نقش اساسی تصوف در گسترده‌گی اسلام در برخی مناطق اندونزی پررنگ‌تر بود؛ چنانچه در آنچه، محور این آشنایی مرشدان صوفی بودند (لاپیدوس، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۶۲۸). این مرشدان در قرن هفتم قمری از بلاد عثمانی آمده بودند و غالباً تصوف را از ایران فراگرفته بودند (ضابط، ۱۳۷۷، ص ۲۸).

فراگیری تصوف، ماورای باورها و ایده‌های مردم حرکت کرد و در سطوح مختلف اثرپذیری خویش را نشان داد که در این میان اخذ ایدئولوژی حکومت و نظام، قابل توجه است. پیشینه این امر برآمده از کسب جایگاه قدرت توسط علمای صوفی بود. مقام مشاور سلطان یا فرمانروا مانند سلطنت آچه، که علما در آن وظیفه راهنمایی سلاطین و مشروعیت دادن به قدرت شاهان را برعهده داشتند، در شمار این موارد است (هندریک، ۱۳۷۵، ص ۳۴).

### نتیجه‌گیری

با واکاوی منابع تاریخی و گزارش‌های مختلف از نحوه ورود اسلام در اندونزی و گسترش مذهب شافعی تأثیر عوامل داخلی و خارجی مسجل گردید. بر این اساس وجود زمینه‌های داخلی، مانند فرهنگ و ساختار مردم منطقه که با حضور آیین‌های بودایی و هندویی طی قرن‌های متمادی توأم گشته بود، فضای پذیرش تصوف در اندونزی را کاملاً مهیا ساخت.

در محور عوامل خارجی رشد تاجران و مبلغان مسلمان، اعراب و سادات مهاجر در فضای صوفیانه جهان اسلام و تلمذ دانشوران اندونزیایی در نزد برخی عالمان شافعی مذهب حجاز، عامل مهمی برای پذیرش مذهب شافعی از سوی مردم جزایر مختلف اندونزی بود. در این میان نقش صدور عقاید تجار، مبلغان هندی، چینی و ایرانی در شکل‌گیری این گرایش قابل توجه است؛ چراکه با بررسی شرایط صدور اسلام به مناطق شرقی، که عموماً از جانب ایران و کشورهای عربی بوده، فضای ایران در سده‌های میانی، با شکل‌گیری اسلام صوفی و رگه‌های عرفانی شیعی، فضایی عرفانی بود. شرایط وصف‌شده، در دیگر مناطق مورد توجه جهان مانند مکه نیز وجود داشت. این مسئله

در نتیجه فراگیر شدن مکتب شافعی و آمیختگی آن با گرایش‌های صوفی و شافعی و تشابهات این ساحات با یکدیگر، دیدگاه‌های دینی مردم اندونزی را بنیان نهاد.

در همین راستا، اهمیت حج در زندگی اندونزیایی‌ها و تأثیرپذیری از گرایش‌های حجاز و مسافرت‌های طولانی به آن مکان نقش شاخصی را در ثبات و گسترش مکتب شافعی در مجمع‌الجزایر دارا بود. گسترده‌گی مذهب شافعی در ایام حضور اندونزی‌ها در حجاز، حضور عالمان شافعی و صوفی، افزون بر جایگاه ماورایی حج در منظر آنان، نتایجی چندگانه را به ارمغان داشت؛ کسب علم و اعتقادات دینی و ارتقا جایگاه معنوی در نزد هم وطنان، جزئی از این امور بود. خاصه آنکه اندیشمندان صوفی در بازگشت به مجمع‌الجزایر ایفای نقش مهمی در پایه‌گذاری مدارس و احزاب داشتند، روحانیون نیز با اتخاذ فقه شافعی و حمایت از آن، به گسترده‌گی مذهب شافعی در مجمع‌الجزایر کمک شایانی کردند؛ نقش نهضت‌العلماء به عنوان محور اصلی این تبلیغ، می‌تواند موضوعی برای پژوهش‌های آتی باشد.

در مجموع باید گفت که با توجه به موارد بیان‌شده، پذیرش مذهب شافعی نزد مردم اندونزی به دلیل ورود و انتشار اسلام شافعی با رگه‌های تصوف بوده و این امر بر اثر ارتباط متمادی مردم مجمع‌الجزایر با اقوام و ملل گوناگون، خاصه حجاز حاصل شده است.

## منابع

۱. ابن عرب‌شاه، احمد بن محمد (۲۰۰۸م)، عجائب‌المقدور فی نوائب تیمور، دمشق، التکوین.
۲. اسحاق‌زهی، غلام سرور (۱۳۸۳)، اندونزی، ندای اسلام، شماره ۱۸.
۳. اسعدی، مرتضی (۱۳۶۶)، جهان اسلام، ج ۱، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
۴. اسعدی، مرتضی (۱۳۷۷)، ایران، اسلام، تجدد، تهران، انتشارات طرح نو.
۵. امین، احمد (بی‌تا)، ضحی‌الاسلام، بیروت، دارالکتاب العربی.
۶. انصاری محلاتی، محمدباقر (۱۳۸۳)، سفر به کشورهای مختلف جهان در ارتباط با انقلاب اسلامی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی ایران.

۷. آرنولد، سیرتوماس (۱۳۵۸)، تاریخ گسترش اسلام، ترجمه ابوالفضل عزتی، تهران، دانشگاه تهران.
۸. باسورث، کلیفورد آدموند (۱۳۸۰)، سلسله‌های اسلامی جدید، راهنمای گاه‌شماری و تبارشناسی، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران، مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
۹. بروسن، مارتین وان (۱۳۸۲)، علمای کرد و شاگردان اندونزیایی، ترجمه محمدرسول الماسیه، چشم‌انداز ارتباطات فرهنگی، ش ۷.
۱۰. بروسن، مارتین وان (۱۳۸۵)، از نگاهی دیگر: سفر مردم نوسانتارا - اندونزی - به مکه (اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰)، ترجمه ماریا تنگ، میقات حج، ش ۵۸.
۱۱. بروسن، مارتین وان (۱۴۱۵ق)، الكتاب العربی فی اندونسیا، ترجمه قاسم السامرائی، ریاض، مکتبه الملک فهد.
۱۲. بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین (۱۳۱۹ق)، مناقب الشافعی، تحقیق احمد صقر، قاهره، مکتبی دارالتراث.
۱۳. پورجوادی، نصرالله (۱۳۶۸)، ابومنصور اصفهانی، صوفی حنبلی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۱۴. جاویدفر، جعفر (بی‌تا)، دایرةالمعارف جغرافیایی جهان، ج ۱، تهران، مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی سحاب.
۱۵. جعفریان، رسول (۱۳۸۵)، آتش‌افروزی متعصبانه عوام در مکه (سال ۹۴۵ هجری)، میقات حج، ش ۵۵.
۱۶. جلالی، غلام‌رضا (۱۳۸۸)، در اندونزی، مشکات، ش ۱۰۴.
۱۷. جونز، ا.ه (۱۳۷۲)، از حجاز تا آچه، ترجمه اسماعیل‌نیا، مجله فرهنگ، ش ۱.
۱۸. حسینی جبلی، سیدمیر صالح (۱۳۹۰)، جنبش‌های اسلامی در اندونزی، قم، دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام، بوستان کتاب قم.
۱۹. حسینی جبلی، سیدمیر صالح (۱۳۸۹)، سرزمین‌های جهان اسلام، کشورشناسی اندونزی و عوامل حضور و گسترش اسلام در آن، اندیشه تقریب، ش ۲۴.
۲۰. حکیمی، محمود (۱۳۷۸)، نگاهی به تاریخ معاصر جهان یا بحران‌های عصر ما، تهران، امیرکبیر.

۲۱. الخياط، جعفر (۱۳۷۵)، مکه از دیدگاه جهانگردان اروپایی ۳، ترجمه محمدرضا فرهنگ، میقات حج، ش ۱۷.
۲۲. درخشه، جلال، مرتضوی امامی زواره، سیدعلی (۱۳۸۹)، پژوهشی درباره شیعیان اندونزی، شیعه‌شناسی، ش ۳۲.
۲۳. ربانی، محمدعلی (۱۳۷۳ش)، حضور تاریخی فرهنگ شیعی در اندونزی، چشم‌انداز، ش ۱.
۲۴. ربانی، محمدعلی (۱۳۹۲)، بررسی نقش عامل تشیع در منشأ عربی، هندی، ایرانی و چینی ورود و گسترش اسلام در آسیای جنوب شرقی، مقالات فرهنگی، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی.
۲۵. روحانی، حسن (۱۳۸۸)، آشنایی با کشورهای اسلامی، تهران، مشعر.
۲۶. ریکلفس، ام.سی (۱۳۷۰)، تاریخ جدید اندونزی، ترجمه عبدالعظیم هاشم نیک، بی‌جا، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۲۷. سفیددشتی، غلام‌رضا (بی‌تا)، رستاخیز اندونزی، اتحاد در عین اختلاف، بی‌جا.
۲۸. ضابط، حیدررضا (۱۳۷۷)، اسلام و مسلمانان؛ ظهور سلسله صفویه، نقطه عطفی در تاریخ ایران، مشکات، ش ۵۹ و ۵۸.
۲۹. عزتی، عزت‌الله (۱۳۸۷ش)، جغرافیای سیاسی جهان اسلام، قم، واحد تدوین کتب درسی.
۳۰. فدرشیل، هاوارد م (۱۳۸۴ش)، اسلام و ایدئولوژی در کشور نوپای اندونزی، ترجمه ی احمد تقی‌زاده ساروکلایی، ماهنامه کتاب ماه دین، س ۸، ش ۷.
۳۱. فرخی، حسین (۱۳۷۴ش)، گذری بر جهان اسلام، سرزمین‌های اسلامی در جنوب شرقی آسیا (اندونزی)، مشکات، ش ۴۸.
۳۲. فرمانیان کاشان، مهدی (۱۳۸۹ش)، فرق و مذاهب فعال در جهان اسلام، حوزه و جهان اسلام، ش ۱۵۷.
۳۳. فقیه بحرالعلوم، محمدمهدی، و خامه‌یار، احمد (بی‌تا)، زیارتگاه‌های عراق (معرفی زیارتگاه‌های مشهور در کشور عراق)، ج ۱، تهران، سازمان حج و زیارت، حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت.

۳۴. قبری کلاشی، صباح (۱۳۹۰ش)، طریقت قادریه، پیدایش، گسترش و تأثیرات سیاسی و اجتماعی آن، تهران، دانشگاه تهران.
۳۵. گنجی، محمدحسن (۱۳۸۰ش)، دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۰، زیرنظر کاظم موسوی بجنوردی، تهران، مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.
۳۶. لاییدوس، ایرام (۱۳۷۶ش)، تاریخ جوامع اسلامی از آغاز تا قرن هجدهم، ج ۱، ترجمه محمود رمضانزاده، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
۳۷. لاییدوس، ایرام (۱۳۷۶ش)، تاریخ جوامع اسلامی قرون نوزدهم و بیستم، ج ۲، ترجمه محسن مدیر شانه‌چی، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
۳۸. لاییدوس، ایرام (۱۳۸۱ش)، تاریخ جوامع اسلامی، ترجمه علی بختیارزاده، تهران، اطلاعات.
۳۹. لک، برنادو (۱۳۷۴ش)، تاریخ اندونزی، ترجمه ابوالفضل علی‌زاده طباطبایی، تهران، انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۴۰. مادلونگ، ویلفرد، (۱۳۷۲ش)، منازعات حنفیان و شافعیان در دوره میانی تاریخ ایران، ترجمه رسول جعفریان، وقف میراث جاودان، ش ۳.
۴۱. مازندرانی، وحید، ع (۱۳۴۵ش)، سرزمین هزاران جزیره، جمهوری اندونزی، تهران، دهخدا.
۴۲. محجوب، محمود و فرامرزی‌پوری (۱۳۶۲ش)، گیتاشناسی کشورها، تهران، مؤسسه گیتاشناسی.
۴۳. محمد لیب البتوننی (۱۳۲۹ق)، الرحلة الحجازیه، مصر، مطبعة الجمالیه.
۴۴. مرتضوی امامی زواره، سیدعلی (۱۳۹۱ش)، احزاب و سازمان‌های اسلامی در اندونزی، مطالعات راهبردی جهان اسلام، ش ۴۹.
۴۵. مطهری، مرتضی (۱۳۶۰ش)، خدمات متقابل اسلام و ایران، تهران، صدرا.
۴۶. مظفری، محمدرضا (۱۳۷۴ش)، اندونزی، تهران، مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
۴۷. منصورى، خلیل (۱۳۷۸ش)، شیعیان اندونزی، فرهنگ کوثر، ش ۲۵.
۴۸. موثقی، سیداحمد (۱۳۸۹ش)، جنبش‌های اسلامی معاصر، تهران، سمت.

۴۹. موسوی بجنوردی، کاظم (۱۳۸۳ش)، اسلام پژوهشی تاریخی و فرهنگی (مجموعه مقالات)، تهران، مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.
۵۰. میسلینونه، ایل (۱۳۶۹ش)، سفرنامه مارکوپولو، ترجمه منصور سجادی، تهران، ابوعلی.
۵۱. ناصری داودی، عبدالمجید (۱۳۸۴ش)، سرزمین‌های جهان اسلام (indonesia) اسلام در اندونزی، اندیشه تقریب مذاهب، ش ۲.
۵۲. نظریور، حامد (۱۳۸۶ش)، اسلام در اندونزی با نگاهی به زندگی و اندیشه‌های مولانا ملک ابراهیم کاشانی، مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی، ش ۱۰.
۵۳. نقشبندی، نوید (۱۳۹۹ش)، عوامل گسترش مذهب شافعی در ایران (از نیمه دوم قرن سوم تا پایان قرن پنجم)، همایش ملی شافعیان در گستره تمدن ایران اسلامی، دوره ۱.
۵۴. نوثر، دلیار (۱۳۷۰ش)، نهضت‌های نوین اسلامی در اندونزی، ترجمه ایرج رزاقی و محمد مهدی حیدریور، مشهد، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.
۵۵. واقدی، محمد بن سعد (۱۳۷۶ش/ ۱۹۸۵م)، الطبقات الکبری، بیروت، بی‌جا.
۵۶. هندریک میولمان، یوهان (۱۳۷۵)، نقش اسلام در تاریخ اندونزی و الجزایر، ترجمه محمود اسماعیل‌نیا، مطالعات آفریقا، ش ۴.
۵۷. هورخرونیه، اسنوک (۱۴۱۱ق)، صفحات من تاریخ مکه المکرمه، ترجمه: محمد بن محمود سریانی، عربستان، نادى مکه.

